

داستان جنگ در ادبیات کودکان و نوجوانان خاورمیانه (بررسی موردی داستان های ایران و لبنان)

چکیده مقاله:

داستان متنی است که نویسنده‌ی آن به کمک تخیل و از راه پرورش و گسترش دادن یک حادثه تلاش می‌کند بر احساس خواننده تأثیر بگذارد. وجه تمایز داستان از دیگر قالب‌های نگارش، بهره‌گیری از نیروی خیال و برانگیختن احساس به منظور پی‌گیری حادثه است. داستان های کودکان و نوجوانان آثاری هستند که ذیل ادبیات کودک و نوجوان نه به منظور آموزش مستقیم؛ بلکه متناسب با محدودیت تجربه، گنجینه لغات، زمان دقت و توان ناچیز کودک و نوجوان در دریافت رویدادهای متنوع، نگارش می‌یابند.

امروزه نویسندگان داستان های کودکان و نوجوانان حوادث داستان های خود را با توجه به واقع گرایی معاصر از رویدادهایی انتخاب می‌کنند که ممکن است مانند «جنگ» بدشگون و نامیمون باشند. داستان جنگ گرچه بامهارت فنی نویسنده درپرداختن به مضامین فراهم می‌آید، اما بسا خصوصیات سنی مخاطبان و خوانندگان کودک و نوجوان ویژگی های متمایزی بدان می‌بخشد که برخی از آن ها در این مقاله فراهم آمده است.

این مقاله درصدد بررسی داستان های کودکان و نوجوانان ایران و لبنان است تا روش های ایفاد مضامین جنگ در آن ها هویدا شود. روش کار توصیفی - تحلیلی بوده و مهمترین نتایج استفاده از داستان حیوانات و صنعت تشخیص در نگارش داستان کودکان ایران و لبنان است که به آشکار شدن زوایای ناپیدای آثار جنگ برای مخاطب کودک و نوجوان یاری رسانیده است.

واژگان کلیدی: داستان جنگ، داستان حیوانات، داستان کودکان و نوجوانان

دکتر اکرم روشنفکر (استادیار دانشگاه گیلان)

Akram Roshanfekar (Assistant Professor of Gilan university)

دکتر کبری روشنفکر (دانشیار دانشگاه تربیت مدرس)

رقیه بیوک آقازاده

رشت - دانشگاه گیلان - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه زبان و ادبیات عرب

Saneh210@yahoo.com

شماره تماس 09123780693

نمابر 01316690577

یکی از حوادث ممکن در وقوع جنگ یورش طرف مقابل به شهرها و هدف گیری اهداف شهری است که آمار قربانیان آن در پی جان باختن غیر نظامیان افزایش می یابد. دشمن ضمن وارد کردن خسارات جانی و مالی گسترده، درصدد ایجاد جنگ روانی برمی آید. ولی موفقیت این روش جنگی که به جنگ شهرها مشهور است، درگرو عوامل بسیاری است. زیرا طرف مقابل از بیرون مرزها یورش آورده و به روشنی نام متجاوز به خود می گیرد. (میرعابدینی، 1386، ج 3 / 910) از همین رو مردم جنگ زده اغلب علیه طرف مقابل تحریک شده و به منظور مقابله با متجاوزان بسیج می گردند.

اما گاهی شهرها صحنه درگیری می شوند، درحالی که دوطرف متخاصم شهروندان یک مرز وبوم هستند که بر اثر اختلافات گروهی و طایفه ای و دسته بندی های سیاسی و دلایلی دیگر در برابر یکدیگر قرار می گیرند. آنان احيانا توسط صاحبان منافع جنگ بیشتر تحریک می شوند و دچار «جنگ داخلی» می گردند.

جنگ داخلی لبنان که دهه های 70 و 80 میلادی را درنوردید، با آن که خسارت های جانی و مالی فراوانی بر جای گذاشت، (نصرالله، 2006 م / 175؛ حطیط، 2004 م / 27) تأثیر شگرفی بر ادبیات نهاد و داستان های جدیدی در ادبیات کودکان ونوجوانان لبنان پدید آورد.

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که در 1359 ش آغاز شد، نیز در اثر تجاوز نظامی دشمن به خاک کشور به وقوع پیوست. پیامد ادبی آن جنگ ظهور ادبیات دفاع مقدس بود که از بستر پایداری ملی برخاست. ادبیات دفاع مقدس حاوی آثار منظوم ومنتثوری است که به رویداد جنگ پرداخته وجان فشانی های رزمندگان ایران زمین را ترسیم کرده است. با نگاهی به آثار نگارش یافته ذیل ادبیات دفاع مقدس می توان به مجموعه داستان هایی دست یافت که به شرح وتوصیف رویداد جنگ تحمیلی و دفاع جانانه ی پیر و جوان وخرد وکلان ملت ایران از آب وخاک کشور می پردازد.

پژوهش حاضر به منظور بررسی مضامین جنگ در داستان های کودکان ونوجوانان ایران داستان های « اسم من پلاک است»؛ «اسم من چفیه است» چاپ (1380 ش)؛ «همه ی دیوارهای شهر» چاپ (1383 ش) و «دره

ی پلنگ ها» چاپ (1386ش) را برگزیده است تا آن ها را با «النظاره»، «یومیات هر»، «النافذه»، از ادبیات کودکان ونوجوانان لبنان مقایسه نماید.

پرسش این مقاله درباره ی فنون بکار رفته در ایفاد مضامین جنگ در داستان های کودکان ونوجوانان ایران ولبنان است. در بیان پیشینه ی پژوهش می توان از پایان نامه ی رضا شجری با عنوان «ادبیات کودکان» به راهنمایی دکتر علی اکبر شعاری نژاد وپایان نامه حنان محمد موسی با عنوان «بررسی بازنویسی متون ادب کهن فارسی برای کودکان در دهه هفتاد» به راهنمایی دکترسعید بزرگ بیگدلی در رشته ی زبان و ادبیات فارسی یاد کرد. در زبان وادبیات عربی نیز زهرا حسینی طالمی پایان نامه ی خود را با عنوان «ادب الطفل العربی الحدیث» به راهنمایی دکتر خضیر جعفر انجام داد و پوران رضایی عنوان «بررسی ویژگی های محتوایی و اسلوبی ادبیات کودکان در آثار نبیل سلیمان سلیمان خلف» را به راهنمایی دکتر کبری روشنفکر برای پایان نامه ی خود برگزید. افزون برآن سید مهدی زرقانی و محبوبه عباسپور نوغانی مقاله ای مشترک با عنوان «بررسی محتوایی شعر کودک در دهه هفتاد» به چاپ رساندند.

1- زمینه های پیدایش داستان جنگ در ادبیات کودکان ونوجوانان لبنان

جنگ داخلی لبنان که در 1975م آغاز گردید، یکی از پیامدهای نامیمون هم جواری با اسرائیل وکوچ اجباری فلسطینیان ازمناطق اشغالی بود. (شوفانی، 1998م/525) زیرا گروهی از آوارگان فلسطینی به لبنان مهاجرت کردند و درجنوب این کشور ساکن شدند. (جرار، 1995م/176) اما درگیری های خونینی میان آنان و راست گرایان افراطی لبنان به سبب ضعف حکومت سیاسی و بی تدبیری حاکمان کشور در دهه ی 70م به وقوع پیوست ودر نتیجه زمینه تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در 1978م مهیا گردید. (روشنفکر، 1386ش،

ظهور مقاومت اسلامی لبنان زمینه‌ی مناسبی برای آثار ادبی فراهم ساخت و کم‌کم ادبیات مقاومت لبنان که پیشتر در تأیید موضع فلسطینی پدید آمده بود، در کنار ادبیات مقاومت فلسطین هویت مستقلی پیدا کرد. در همین راستا شاعران و نویسندگان لبنانی به آفرینش آثار ادبی که ذیل ادبیات مقاومت قابل شمارش است، همت نمودند. از جمله داستان‌های شایان ذکر در ادبیات مقاومت لبنان مجموعه‌ی داستانی «قلم رصاص» است که تا 2011م در 13 مجلد به چاپ رسیده است.

پژوهش حاضر به منظور بررسی مضامین جنگ در داستان‌های کودکان و نوجوانان لبنان داستان «النظارة» را از آن مجموعه انتخاب کرده است. اما داستان‌های دیگر این پژوهش از جمله؛ «یومیات هر»؛ «النافذة» اثر املی نصرالله است که به رویداد جنگ داخلی و تجاوز دشمن به لبنان می‌پردازد.

2- رویکرد داستان‌های کودکان و نوجوانان لبنان به مراحل جنگ

ماهیت جنگ در لبنان با جنگ تحمیلی عراق علیه ایران از نظر وقوع آن در دو کشور تفاوت‌هایی دارد. زیرا جنگ در لبنان مراحل را طی کرده است. در مرحله‌ی اول جنگی فرسایشی میان شهروندان کشور روی داد که بیش از یک دهه به طول انجامید و چنان که گفتیم به «جنگ داخلی» شهرت یافت. آن جنگ خونین و بی‌فایده که در راستای دستیابی راست‌گرایان افراطی به منافع گروهی و تهی از دغدغه‌های ملی بوده، در آثار ادبی لبنان انعکاس یافت و نویسنده‌ی داستان «یومیات هر» و «النافذة» آن رویداد نامیمون را موضوع این دو داستان در ادبیات کودکان و نوجوانان قرار داده است.

مرحله‌ی دوم جنگ در لبنان مربوط به تجاوز اسرائیل به جنوب کشور بوده که مشخصاً دوبار به وقوع پیوست. نظامیان صهیونیست اولین بار طیّ تجاوز به خاک لبنان در 1978م بخش‌هایی از منطقه‌ی جنوب را به اشغال درآوردند که پس از درخواست حکومت مرکزی لبنان از شورای امنیت و صدور قطعنامه‌ی آن شورا مجبور به عقب‌نشینی شدند، اما مناطق مرزی تا کیلومترها در خاک کشور، تحت اشغال شبه‌نظامیان طرفدار اسرائیل و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل قرار گرفت (حطیط / 35) و مصیبت‌هایی را برای شهروندان لبنانی

ساکن آن مناطق بوجود آورد که نویسندگان داستان هایی مانند «الحصار» و «سوسو والاسود» و «حارسه الجبل» به آن ها اشاره می کنند. (بیوک آقازاده، 1391ش/119)

مرحله سوم جنگ در لبنان پس از ظهور مقاومت اسلامی است که از 1982م آغاز گردید و با عملیات موفقیت آمیز علیه ی مواضع اسرائیل توسط حزب الله پیروزی هایی به دست آمد و سرانجام در سال 2000م به شکست دشمن در جنگ برابر حزب الله لبنان انجامید. رویارویی نیروهای مقاومت اسلامی لبنان برابر نظامیان صهیونیست که تا پیروزی سال 2000م هشت سال به طول انجامید، دستمایه ی داستان هایی مانند «النظارة» گردید.

3- رویکرد داستان های کودکان ونوجوانان ایران به دفاع مقدس

نخستین آثارحوزه ی ادبیات کودکان ونوجوانان ایران که به رویدادهای جبهه وجنگ پرداخته مربوط به دهه ی 60ش است و انتشارات سپاه پاسداران در زمره ی اولین ناشران آن آثار قرار می گیرد. البته کتاب های این ناشرابتدا به شکل خاطرات وروزشمار جنگ نگارش یافته و به چاپ رسیده است که از میان آن ها می توان به «لحظات مرگ وزندگی» چاپ اول 1364ش؛ «پل» چاپ اول 1366ش؛ «بر بال های خاطره» چاپ اول 1368ش اشاره کرد. این ناشرداستان هایی را نیز با مضامین جنگ درحوزه ی ادبیات نوجوانان به چاپ رسانیده که از جمله می توان به «هفت داستان»؛ «نفوذ از کوهستان»؛ «تپه برهانی»؛ «مقاومت در مرداب»؛ «فقط به زمین نگاه کن» اشاره کرد. شایان ذکر است که نخستین چاپ دو داستان اخیر به ترتیب در سال های 1372ش و 1373ش بوده است.

واحد انتشارات حوزه اندیشه وهنر اسلامی نیز که کتاب هایی را با نام سوره - بچه های مسجد در دهه ی 60ش برای نوجوانان به چاپ می رسانید، داستان هایی را در مجموعه آن کتاب ها گنجانیده که ذیل ادبیات دفاع مقدس قابل ارزیابی است. «دیداری از جبهه عشق وخون» چاپ اول 1362ش عنوانی است که کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان برای یکی از کتاب های خود برگزیده است. خاطرات جبهه وجنگ در دهه ی 80ش نیز با چاپ کتاب هایی برای نوجوانان تجدید گردیده که می توان به عنوان نمونه از «سروهای سرخ»

چاپ صریر وابسته به بنیاد حفظ آثار و ارزش های دفاع مقدس (1385ش)؛ «گلوله های بی خطر» چاپ چهارم بنیاد حفظ آثار - کرمان (1387ش)؛ «طعم تلخ خرما» چاپ پائیزان (1387ش) و «قصه ی قصر شیرین» چاپ سوره مهر (1386 ش) که به صورت روزشمارنگارش یافته و «مهاجر کوچک» چاپ دوازدهم سوره مهر (1389ش) یاد کرد.

روش ایفاد مضامین جنگ در داستان های کودکان ونوجوانان ایران و لبنان

3-1- استفاده از داستان حیوانات

داستان حیوانات پیشینه ی کهنی دارد که اغلب به نسخه های «کلیله و دمنه» درملل مختلف باز می گردد (حسن البک، 2008م/22) و بسا مهمترین ویژگی آن را اخلاقی و آموزشی دانسته اند. (هلال، بی تا، 177) هرچند امروزه نویسندگان داستان حیوانات آن را به سه روش روایت می کنند. روش اول آن است که اعمال روزمره ی افراد به حیوان (ات) داستان عاریه داده می شود و آن (ان) مانند افراد بشر به ایفاء نقش می پردازند. نمونه آن را می توان در دو داستان «روبه و هوایمای خصوصی» و «روبه و چوپان آوازه خوان» از مجموعه داستان های مسلم ناصری مشاهده کرد و از «طایر النار» و «غرور ثعلب» دو اثر دکتر علی حجازی¹ در ادبیات داستانی لبنان نام برد.

روش دوم آن است که نویسنده به حیوانات نقش معین و غریزی خودشان را عطا می کند. به عنوان مثال سگ را به نگهبانی می گمارد تا نسل نوباوه با جانوران محیط خود و طبیعت پیرامون و ویژگی های آنان آشنا شود. نمونه ی آن را می توان در داستان «راسو و قورباغه» اثر محمد عزیزی مشاهده کرد و از «الغزاة» اثر املی نصرالله نام برد. روش سوم آن است که حیوانی راوی داستان گردد. یعنی نویسنده از مهارت نگارش داستان حیوانات به نفع روایت داستان به زبان حیوانی که شخصیت اصلی آن به شمار می رود، استفاده کند. نمونه ی آن در

1. دکتر علی حجازی استاد دانشگاه و نویسنده است که چند داستان برای کودکان ونوجوانان به قلم تحریر کشیده است. از جمله آثار او مجموعه های داستانی القبضة والارض؛ العیون الغاربة؛ النعاس وملك العواصف؛ وفاء الزيتون است. دکتر حجازی عضو اتحادیه ی ادیبان ونویسندگان عرب زبان است. او همچنین دبیر روابط خارجی اتحادیه ی نویسندگان لبنانی است.

«یومیات هرّ» و «دره ی پلنگ ها» قابل ذکر است.

3-1-1- داستان یومیات هرّ

داستان بلند «یومیات هرّ» (روزشمارگره) توسط مؤسسه ی دارالکتاب العالمی در 1999م برای دومین بار چاپ شده و در اختیار خوانندگان نوجوان قرار گرفته است. نویسنده ی آن بانو «املی نصرالله» است. راوی داستان گربه ای دست آموز و مورد علاقه ی دخترک خانواده ای است که از زندگی آرام و رفاه نسبی برخوردارند، اما نرم نرم حوادثی به وقوع می پیوندد که آرامش خانواده را برهم زده و امنیت آنان را تهدید می کند و حیوان بینوا را نیز در موقعیتی دشوار قرار می دهد. پس وی به بیان حوادثی که در جنگ داخلی از سرگذرانده، می پردازد. رویدادهای داستان در فرازهایی معنوی و به شکل روز شمار ترتیب یافته و «زیکو» گربه ی دست آموز «مونا» نرم نرم در یازده فراز از لذت زندگی با خانواده ای سعادت مند سخن می گوید. سپس از مخاطراتی یاد می کند که رفته رفته در چهارده فراز بر حجم آن افزوده می گردد و به مهاجرت خانواده ی «مونا» از خانه و کاشانه شان می انجامد. آنگاه حیوان بینوا طی پنج فراز به بیان شرایط غیر قابل تحمل جنگ می پردازد که به فرارش از بنای نیمه ویران خانه می انجامد.

3-1-2- داستان دره ی پلنگ ها

داستان «دره ی پلنگ ها» جلد ششم مجموعه ی «قصه های شهرجنگی» است که در 28 صفحه توسط سوره ی مهر در 1386ش به چاپ رسیده است. نویسنده ی آن «محمد رضا بایرامی» است. داستان با توصیف شکار نه چندان فربه پلنگی ماده آغاز می شود. پلنگ به سبب آوردن چند توله مدت ها در کنام خود مانده و از این رو چابکی خود را از دست داده؛ مجبور می شود به شکار خروسی قانع شود. آنگاه نویسنده نگاه خود را به حیوان زبان بسته وام داده تا از فراز بلندی های دور دست شهر به شب های نورانی آن نظر کند. سپس به بیان شرایط دشوار ماده پلنگ در طول روز و احساس ترس، گرسنگی حیوان و توله های ناتوانش می پردازد و

از بمباران و اصابت موشک هایی سخن می گوید که دشت و دمن را درنوردیده و پلنگ ماده پلنگ نر را می بیند که سعی دارد ،خودش را بدون سروصدا به گله ی غزال ها برساند. ولی صدایی دیگر می شنود ودرخت گردویی که آتش می گیرد. در همین هنگام صدایی بلند با نعره ی پلنگ نر می آمیزد. پلنگ ماده می بیند، چیزی ران وشکم پلنگ نر را دریده و حیوان را به کام مرگ فرو برده است و به مرور ایام صداهاى وحشتناک زیادتى مى شوند وپلنگ ماده برای شکار به دردرس مى افتد.

3-1-3- مقایسه ی دو داستان

نویسنده داستان «دره ی پلنگ ها» حوادث جنگ تحمیلی را که غرب ایران را درنوردید، با زیست بوم حیوانی وحشی گره زده و از پلنگی ماده یاد می کند که توله هایی به دنیا آورده است. به این ترتیب نقش اصلی داستان دره ی پلنگ ها از آن ماده پلنگی است که دائما به دنبال شکار است تا خود و توله هایش را سیر کند. نویسنده ی «یومیات هر» نیز نقش اصلی داستان را به گربه ای دست آموز می دهد و با ترتیب دادن خانواده ای برای حیوان می کوشد تا مفاهیم داستانی را با استفاده از فضایی که مخاطبان کودک و نوجوان با آن انس دارند، به ایشان برساند.

درهر دو داستان پدر خانواده(حیوان نر) با صدماتی مواجه می شود. به این ترتیب که در «یومیات هر» پدر(گربه ی نر)زخمی و خون آلود به خانه باز می گردد و بچه گربه احساس خطر می کند. پلنگ نر نیز در داستان «دره ی پلنگ ها» در اثر اصابت ترکش بمباران مناطق اطراف شهر می میرد.

در هر دو داستان صدای گوش خراش تیر و ترکش بمب و گلوله وخمپاره باعث وحشت دو حیوانی است که نقش اصلی را در داستان ایفا می کنند. اما در «یومیات هر» بچه گربه در اواسط داستان رفته رفته حس وحشت وترس را تجربه می کند وهمچنان که داستان رو به پایان می رود ، وحشتش افزایش می یابد واحساس امنیت سکونت را درمنزل صاحبش بکلی از دست می دهد . به همین سبب از آن جا فرار می کند و جان بدر می برد. اما در«دره ی پلنگ ها» ، پلنگ ماده از شرایط بحرانی ارتفاعات حومه شهر و بمباران و موشک باران منطقه به منزله ای حادثه ای طبیعی گذر کرده و درصدد شکار برای توله های خود برمی آید.

به این ترتیب وجه تمایز تأمل برانگیزی در این دو داستان هویدا می شود و خواننده به غیر معمول بودن ستیزه جویی در زندگی بشر پی می برد. زیرا بچه گربه به عنوان حیوانی اهلی که با آدمی نشست و برخاست کرده، با احساس خطر و افزایش تهدیدات، از شرایط بحرانی جنگ می گریزد و به سان انسان تمایلش را به دوری از خطر نمودار می سازد. اما پلنگ ماده به سبب خوی درندگی بمباران و تهدیدات جنگ را حادثه ای طبیعی و معمول تلقی کرده و در همان شرایط بحرانی به شکار می رود.

درهر دو داستان از کوچ مردم جنگ زده به مناطق خارج از شهر سخن می رود. به این ترتیب خانواده ای که بچه گربه در آن زندگی می کرده با وانهادن منزل، خود را از موقعیت خطر دور می کنند و به منزل بستگان خود در منطقه ی خارج از خطر می روند و در «دره ی پلنگ ها» مردم دسته دسته با احشام خود به مناطق امن روی می کنند. به این ترتیب دو نویسنده در «یومیات هر» و «دره ی پلنگ ها» با تدارک کوچ مردم از شهر جنگ زده بار دیگر تمایل انسان ها را به زندگی بدور از جنگ و خونریزی به تصویر می کشند.

دو حیوان زبان بسته درهر دو داستان، آثار بمباران و تهدیدات جانی را بر شهروندان شهر جنگ زده مشاهده می کنند، اما نویسنده ی «یومیات هر» **صدای خود** را به بچه گربه ای وام می دهد که با صاحبش به پناهگاه زیر زمین می رود و از انبوه لوازم ضروری خانواده ها که در هر نقطه جمع شده، سخن می گوید و افرادی یاد می کند که برای گذراندن اوقات خود سرگرم کارهایی می شوند. درحالی که نویسنده ی «دره ی پلنگ ها» **نگاه خود** را به حیوان وحشی برفراز ارتفاعات منطقه وام می دهد تا به توصیف دورنمای شهری بپردازد که به جای روشنی چراغ ها با فرا رسیدن شامگاهان شعله های آتش که از بناهای آن بیرون می زند و شهر را روشن می کند و سحرگاهان دود غلیظ حاصل سوختن شهر درهوا پراکنده می شود. سپس حیوان زبان بسته از فراز ارتفاعات بارو بنه ی مردمی را می بیند که پشت اسب و استر بسته شده و رمه ای که پیشاپیش جماعت در بیراهه در حرکت است و شکار مناسبی برای آن و توله هایش به شمار می آیند.

در واقع بایرامی در «دره ی پلنگ ها» به نحو شگفتی از احساس حیوان وحشی در مواجهه با خطر روایت کرده است. نصرالله نیز در «یومیات هر» با استفاده از «ادب الحیوان» به خوبی از عهده ی روایت جنگی شوم و فرسایشی که دامنگیر شهر شده، برمی آید و با روایت دقیق احساس بچه گربه در شرایط خطر و تهدید جانی

برویژگی واقعیت سان بودن داستان می افزاید. در نتیجه هردو نویسنده در به کارگیری «ادب الحيوان» به شیوه ی جدید و بدور از پند و اندرز – چنان که در کلیله و دمنه – مشاهده می شود، اثری ممتاز را در روایت جنگ به جای نهاده اند. افزون بر آن نویسنده ی «یومیات هر» با انتخاب مناسب «گره ی خانگی» از شرایط غیر قابل تحمل زندگی در شهری سخن می گوید که جنگ در آن جریان دارد و «بایرامی» با انتخاب «پلنگ ماده» شرایط وقوع جنگ را از نمای دور و ارتفاعات پیرامون شهر ویران و منطقه ی جنگی ترسیم می کند تا «داستان حیوانات» توانایی خود را در بیان شرایط بحرانی جنگ برای کودک و نوجوان ظاهر سازد.

2-3- استفاده از صنعت تشخیص در ادبیات جنگ

تشخیص Personification یا آدم گونگی آن است که گوینده عناصر بی جان یا امور ذهنی را به رفتاری آدمی وار بیاراید. (داد، 1385 ش/1) نویسنده ی داستان بسا ممکن است، در نگارشش از صنعت «تشخیص» استفاده کند. در این صورت راوی رویدادهای داستان موجود(ات) بی جانی هست(ند) که نویسنده با آن صنعت بدان(ها) جان بخشیده و آن(ها) را در بطن حادثه قرار می دهد. پس آن موجود(ات) بی جان و اشیاء توانایی سخن را وام گرفته و به شرح رویدادهایی می پردازند که از سر می گذرانند. در همین راستا می توان از داستان های «النظاره»؛ «اسم من پلاک است» و «اسم من چفیه است» نام برد.

1-2-3- داستان النظارة

داستان «النظاره» در جلد یازدهم مجموعه ی قلم رصاص توسط مؤسسه ی رسالات در 2011م چاپ شده و در اختیار خوانندگان نوجوان قرار گرفته است. نویسنده ی آن «کاتیا نصار» است. قهرمان داستان عینکی است که در مغازه ی عینک فروشی بسر می برد و از انتظارش درویشترین مغازه کنار عینکی دیگر سخن می گوید. او روز بعد به گفتگوی صاحب مغازه با همکارش گوش سپرده و از بمباران شهر توسط جنگنده های اسرائیل باخبر می شود. عینک آن روز را به شب می رساند تا آن که صبحگاه روز بعد پسرک نوجوانی با دوستش وارد مغازه می شود و آن را می پسندد. سپس عینک در گمان سعادت مندی و خدمت به صاحب

نوجوان از وعده گاه ملاقاتی سخن می گوید که پسرک برای دیدار دوستش بدانجا می رود. اما طولی نمی کشد که بمباران هواپیماهای دشمن آغاز می شود و ترکش هایی به پسرک اصابت می کند و آنگاه عینک به سویی پرتاب شده و خود را بر شاخه ی درختی می یابد و صحنه ی دلخراش کشته شدن صاحبش را شرح می دهد.

2-3- داستان های اسم من پلاک است و اسم من چفیه است

این دو داستان توسط نشر شاهد در 1380ش به چاپ رسیده است. نویسنده ی آن دو «مرتضی سرهنگی» است. او در داستان «اسم من پلاک است» توانایی سخن را به گردن آویز نظامیان وام داده و آن را قهرمان داستان خویش قرار می دهد تا پلاک با معرفی خود از همنشینی اش با رزمندگان یاد کند و به شماره های حک شده بر جسمش بپردازد و اهمیت آن ها را ذکر نماید و خود را شناسنامه ی ضد زنگ و ضد آتش صاحبش بنامد. سپس پلاک از لحظات دشوار نبرد سخن می گوید و از زمانی یاد می کند که صاحبش هدف گلوله و ترکش قرار می گیرد، درحالی که پلاک با ترس و دلهره تیرهای دشمن را تعقیب می کند. سرانجام وظیفه ی اصلی اش را که شناسایی رزمندگان پس از جان باختن در میدان نبرد است، خاطرنشان می سازد تا پیکر نظامی جان باخته به کمک وی به شهر و دیار و نزد خانواده اش بازگردد.

نویسنده در داستان «اسم من چفیه است» بار دیگر توانایی سخن را به پارچه ای نخی می دهد که با ابعاد مربع دارای خطوطی است که اضلاع آن را مستقیماً به هم وصل می کند. چفیه که قهرمان داستان گردیده ، خود را دستمال بزرگی معرفی می کند که برای دفاع به جبهه می رود. آنگاه به شرح وظایفی می پردازد که صاحبش در مقام شال گردن، سفره ی نان، ساک دستی، حوله ی حمام و سایبان به او می سپرد و از وظیفه ی سنگین خود در مقام ماسک ضد شیمیایی یاد کرده و به دلسوزی اش مانند باند دور زخم رزمنده اشاره می کند و یا از پهن شدن بر زمین مثل سجاده یاد کرده و از حماسه ی شیرجه در شط، مانند تور ماهی گیری سخن می گوید. با این حال خود را هدیه ی ارزشمندی می شمرد که از شهیدی برجای مانده و یادگاری که نزد خانواده ی شهید باز می گردد.

3-2-3- مقایسه سه داستان

داستان «النظاره» درمقایسه با داستان کودکان ونوجوانان ایران به داستان های «اسم من پلاک است» و «اسم من چفیه است» شباهت دارد. از آن رو که عینک در داستان «النظاره» وسیله ای است که صاحبش به سبب اصلاح ضعف بینایی به همراه دارد و آن را از خود دور نمی کند. آن مانند پلاک شناسایی نظامیان است که باید همراهشان باشد و آن را از خود جدا نمی کنند و یا بسان چفیه نزد شبه نظامیان جنگ های نامنظم است که برایشان کاربری گوناگون می یابد.

از سوی دیگر نویسنده ی داستان «النظاره» زبان آدمی را به عینک بخشیده تا روایتگر حادثه ای باشد که برای صاحبش در داستان اتفاق می افتد. چنان که نویسنده ی داستان «اسم من پلاک است» نیز جسمی فلزی را به سخن در آورده تا رویدادهایی را که صاحبش از سر می گذراند، بیان نماید و چفیه هم در داستان «اسم من چفیه است» از همراهی اش با رزمنده در کارهای روزمره و حتی موقعیت های خطرناک سخن می گوید. افزون برآن عینک و پلاک و چفیه در داستان های خود به حادثه ی تلخ از دست رفتن صاحبشان می پردازند.

در واقع عینک وسیله ای معمولی است که هر فردی که از ضعف بینایی رنج می برد، به چشم می زند، اما آن در داستان «النظاره» حادثه ی بمبارانی را شرح می دهد که باعث مرگ صاحبش می گردد و از موج انفجاری سخن می گوید که آن را به شاخه ی درختی دورتر از محل اصابت بمب پرت می کند. چنان که پلاک کاربرد شناسایی دارد، اما در داستان «اسم من پلاک است» از گلوله هایی سخن می گوید که صاحبش را هدف گرفته و ممکن است به صفحه ی فلزی آن نیز اصابت کند. چفیه نیز بسان پلاک زبان گشوده و از خدماتش به رزمنده ای که صاحبش است، یاد می کند.

عینک و پلاک و چفیه در این سه داستان ابزاری هستند که مانند همه ی آحاد انسان ها احساس ناخوشایندی نسبت به جنگ و تهدیدات جانی صاحب خویش دارند. از این رو در فاجعه ی از دست رفتن صاحبشان مانند انسان احساس اندوه خود را ابراز می دارند. افزون برآن عینک به عنوان راوی از اصابت ترکش انفجار و جراحت منجر به فوت صاحبش سخن گوید و شرایطی غیر قابل تحمل را که رویتش برای

هیچ موجود زنده ای ممکن نیست، به تصویر می کشد و پلاک در دلهره ی اصابت گلوله و ترکشی بصری برد که شماره هایش را از بین ببرد و مانع انجام وظیفه ی شناسایی اش شود. البته چفیه فارغ از دغدغه های اضطراب را نسبت به ایفاء نقش یادگاری از شهیدی احساسی خوشایند می یابد. افزون بر آن، نویسندگان این سه داستان با استفاده از صنعت تشخیص توانسته اند روایتگری بیآفریند که ضرورت های نبرد و شدت صدمات جنگ را برای مخاطب کودک و نوجوان بیان کند.

3-3- فن توصیف در داستان های کودکان و نوجوانان

توصیف مهارتی است که در نتیجه ی دانایی نویسنده بر جزئیات رفتار افراد و ویژگی های اشیاء حاصل می شود و او توانایی می یابد تا با انتقال دقیق جزئیات مورد نظرش صحنه هایی را برای خواننده و شنونده بازسازی کند. (محفوظ، 2009/م23) البته توصیف رفتار و عکس العمل های کودک و نوجوانی که قهرمان داستان قرار گرفته ، افزون بر هنر نویسندگی ، دانش روانشناسی را می طلبد. (حسینی، 2001/م29) از آن رو که داستان نویسان کودک و نوجوان عموماً در رتبه ی بزرگسالان قرار گرفته اند و با آن که خود آن سنین را پشت سر نهاده اند، اما نمی توانند به تجربیات شخصی خود در توصیف روایات کودکان و برزخ نوجوانی بسنده کنند. صرفنظر از آن که رویداد جنگ تأثیر یکسانی بر بزرگسالان و نوجوانان و کودکان نمی گذارد. نویسندگان «النافذه» و «همه دیوارهای شهر» نیز با در نظر گرفتن همین موارد داستان شان را به قلم تحریر کشیده اند.

1-3-3- داستان النافذه

داستان «النافذه» از مجموعه ی داستان های «الطاحونة الضائعة» است که توسط مؤسسه ی نوفل در 1985م به چاپ رسیده است. نویسنده ی آن «املی نصرالله» است. داستان با توصیف زندگی خانواده ای در پناهگاه آغاز می گردد. «رنا» دخترک نونهال خانواده پس از هفته ای سکونت در زیرزمین از سخن باز مانده و هر پرسشی را با اشاره و حرکت پاسخ می گوید. او دخترکی 9 ساله است که تمام عمر خود را در جنگ گذرانده و با آن که خانواده اش در این دوره از جنگ فرسایشی لبنان در پناهگاهی بهتر از پناهگاه های

عمومی بسر می برند و دخترک کتاب های داستان و ابزار نقاشی خود را به همراه دارد و از توجه و مهربانی مادر و سایر اعضای خانواده برخوردار است، اما از دیوارهایی که دورتا دورش کشیده شده، سخت دلتنگ است. داستان با گفتگوی دو برادر بزرگتر درباره ی خاطرات پیاده روی در مرغزار و صعود از کمره کوه و رها شدن در طبیعت ادامه می یابد. اما شنیدن آن خاطرات احساس غریبی در کودک می آفریند. زیرا او در طول عمرش آن تجربیات را بدلیل شرایط جنگی از دست داده و احساس می کند که آنان از دنیایی جادویی سخن می گویند. دخترک خردسال پس از شنیدن آن سخنان به پنجره ای می اندیشد که رو به باغی پرگل و درخت و پرند باز شود. به همین سبب از هنر نقاشی خود که با همسالانش قابل مقایسه نیست، بهره می گیرد. صبحگاهان که پناه جویان ساکن در پناهگاه از گوشه و کنار برمی خیزند، پنجره ای بر دیوار زیر زمین می بینند که رو به دریا گشوده شده! و درختی که پرندگان کوچک بر آن نشسته اند. نقاشی دخترک خردسال موضوع گفتگوی خرد و کلان می گردد و «رنا» روزها و هفته های آینده را با کوچ از پناهگاه به منزل و بالعکس می گذراند.

2-3-3- داستان همه ی دیوارهای شهر

داستان «همه ی دیوارهای شهر» توسط کنگره ی بزرگداشت سرداران شهید و بیست و سه هزار شهید استان خراسان و دفتر نشر سنبله در 1383ش به چاپ رسیده است. نویسنده ی آن «طیبه دلقندی» است. داستان با توصیف آلبومی آغاز می شود که نوجوان شخصیت اصلی به مشاهده ی عکس های آن که از دوران حضور پدر در جبهه گرفته شده، می نشیند و سپس مرغ خیالش را به پرواز در می آورد و به نقاشی صحنه هایی از حمله تانک و رزمندگانی که با دشمن روبرو شده اند، می پردازد و با افزودن دود و آتش و رزمنده ای که مجروح شده، به گفتگو با وی راه می برد. آنگاه با خیال پردازی به دنیای نقاشی وارد شده و در امداد رسانی و جنگ و گریز سهیم می شود.

3-3- مقایسه ی دو داستان

داستان «النافذه» در مقایسه با داستان کودکان ونوجوانان ایران شباهت هایی با داستان «همه ی دیوارهای شهر» دارد. از آن جا که در هر دو داستان نونهالی شخصیت اصلی قرار گرفته است . هرچند او در داستان «النافذه» دخترکی است که با خانواده ی خود در حصار پناهگاه بسر می برد. اما نونهال داستان «همه ی دیوارهای شهر» کودکی است که در امنیت منزل آلبوم عکس های جبهه و جنگ پدر را ورق می زند.

گفتنی است داستان جنگ در لبنان با داستان های جنگ در ایران از نظر حضور شهروندان تفاوت دارد. زیرا هرچند بسیاری از شهرهای ایران توسط جنگنده های دشمن بعثی بمباران شد، اما خرمشهر تنها شهری بود که در طول جنگ تحمیلی به تصرف کامل دشمن درآمد. از همین رو مردم دراوان سقوط شهر از آن گریختند و تنها شبه نظامیان مردمی تا مدتی در خرمشهر باقی ماندند. اما جنگ داخلی لبنان با وقوع درگیری های شبه نظامیان وابسته به گروه های سیاسی در شهر و با حضور شهروندان غیرنظامی همراه بود و نبرد شهری قوت غالب و نان شب شهروندان لبنانی مقیم شهرهای پرجمعیتی مانند بیروت شده بود. از همین رو وجه شباهت دو داستان یاد شده در احساس ناخوشایندی است که قهرمان نسبت به جنگ پیدا نموده است. از آن جا که کودک داستان «النافذه» در اثر تنگی پناهگاه و محصور بودن آن ، ضیق نفس یافته و صبرش بسر می آید و دراندیشه ی رهایی از آن شرایط ملالت آور، پنجره ای رو به دریا بر دیوار پناهگاه نقاشی می کند و کودک داستان «همه ی دیوارهای شهر» در اثر مشاهده ی عکس های جبهه ی جنگ دستخوش احساسی حماسی گشته و مداد نقاشی را برمی دارد تا رویارویی با دشمن را به تصویر کشد.

به این ترتیب دو نویسنده درصدد بیان تأثیرات جنگ بر روحیه ی حساس دو کودک برآمده اند تا مخاطب نونهال از راه همزاد پنداری در جریان آثار روانی جنگ قرار گیرد. البته املی نصرالله در «النافذه» با انتخاب دخترکی نونهال به عنوان شخصیت اصلی داستانش روحیه ی رومانتیک دخترکان را رعایت کرده و پنجره ای را رو به دریا حاصل نقاشی اش قرار داده و طیبه دلغندی نیز روحیه ی پرهیاهو و حماسی پسرکان را در نظر گرفته و صحنه های درگیری را با تصویر تانگ و آتش و دود و رزمنده و مجروح مهیا می سازد. به این ترتیب دو بانوی ایرانی و لبنانی با نگارش این دو داستان اتفاق نظری را در رعایت روحیات دخترانه و پسرانه به نمایش

می گذارند.

4- روش بیان آسیب های جنگ در داستان های کودکان ونوجوانان ایران و لبنان

پیشتر خاطرنشان شد که جنگ داخلی لبنان براساس چشمداشت های راست گرایان افراطی آغاز گردید و با مطامع اسرائیل تلفیق شد و در عرصه ی شهروندی به نزاعی بی هویت تبدیل گشت. از همین رو نخستین آثار آن جنگ در روحیه ی معصومانه ی کودکان هویدا گشت و نویسنده ی داستان «النافذه» درصدد برآمد تا مرارت اقامت در پناهگاه های شهری را از طریق احساس تنگنای دخترکی به تصویر کشد. اما املی نصرالله در این داستان برای بیان مرارت های کودکان ونوجوانان جنگ زده نه تنها از کشتار و صحنه های دردناک جنگ سخن نمی گوید ؛ بلکه با دور نگه داشتن کودک داستان خویش از خشونت جنگ و قراردادن لوازم شخصی و نقاشی وی در «پناهگاه» محیطی خوشایند را برایش فراهم می کند تا بتواند به احساس ناخوشنودی دخترک از محیط خفقان آور پناهگاه راه برد واز دغدغه ی نیازش به دنیای آرام و امن بیرون سخن گوید.

داستان «همه ی دیوارهای شهر» نیز در مقایسه با داستان «النافذه» دربردارنده ی داستان جنگ در شهر است ، اما کودک داستان بدور از صحنه های جنگ و خشونت و درگیری با تماشای آلبوم عکس جبهه ی پدر دریافتی از جنگ به دست می آورد و با به دست گرفتن مداد نقاشی و کشیدن تصاویری از ابزارهای جنگی و درگیری آدمک های نقاشی داستانی می سازد. به این ترتیب نویسنده کودک داستان را گرفتار رویداد دردناک جنگ نمی نماید ؛ بلکه احساس کودک داستان خود را با ترتیب دادن دنیایی خیالی ، علیه جنگ و صدمات آن تحریک کرده و او را به نقاشی کردن تصاویر جنگی و مقاومت مردم ورزمندگان می کشاند.

یکی از انگیزه های نگارش داستان «یومیات هر» نیز پرهیز از قرار دادن کودک در معرض صدمات جنگ است . از آن رو که نویسنده برای بیان نزاع شهری و درگیری های ایدایی کودک و خانواده اش را به منطقه ای امن کوچ می دهد و سپس صدمات شدید جنگ و حجم تخریب ساختمان های شهر جنگ زده را با روایت مشاهدات گربه ای خانگی شرح می دهد. به این ترتیب حیوان زبان بسته با دور نگهداشتن کودک از صحنه ی جنگ به ورطه می افتد تا نویسنده با استفاده از «ادب الحيوان» به شرح مرگ و ویرانی بپردازد. چنان که نویسنده ی

داستان «دره ی پلنگ ها» نیز آرامش شبانگاه شهر و چراغ های روشن را که مانند ستارگان ریز و درشت آسمان شب می درخشند، با شعله های آتشی که از روزنه های ساختمان های شهر بیرون می زند، عوض می کند و پلنگی را در معرض ترکش بمب قرار می دهد و به خاک می افکند و دغدغه ی سیر کردن شکم توله ها را برای ماده پلنگ می نهد و در نتیجه مانند نویسنده ی لبنانی از قاعده ی پرهیز از قرار دادن نونهالان در معرض صدمات تجاوز و اشغالگری پیروی می کند.

اما گاهی رویداد جنگ دامنگیر کودکان و نوجوانان می شود و نویسنده مجبور می شود کودک و نوجوان را هدف تیر بلا قرار دهد. چنان که پسرک نوجوان داستان در «النظاره» با دوستش قراری می گذارد و پس از حاضر شدن در مکان موعود هدف اصابت ترکش بمباران دشمن قرار می گیرد و با مرگی تلخ جسمش متلاشی می شود. از این رو می توان دریافت که اساس کار نویسندگان داستان کودکان و نوجوانان ایران و لبنان دورنگهداشتن کودک و نوجوان شخصیت اصلی داستان از خشونت و بی رحمی های رویداد جنگ است. اما گاهی شرایط روایت داستان کودکان و نوجوانان جز با قرار دادن آنان در معرض مخاطرات و صدمات تلخ جنگ درست در نمی آید. چنان که در نمونه ی اخیر ذکر شد.

نتیجه گیری

داستان کودکان و نوجوانان در ایران و لبنان در برخورداری از فنون نگارش و ایفاد مضامین شباهت هایی شایان ذکر دارند. مهمترین نکته آن است که نویسندگان این داستان ها عموماً از قرار دادن کودک و نوجوان به عنوان شخصیت اصلی داستان جنگ پرهیز کرده و بسا با قراردادن حیوانی به عنوان شخصیت اصلی استفاده از «داستان حیوانات» صدمات جنگ را بیان نموده اند تا کودک و نوجوان به عنوان شخصیت اصلی داستان در بطن حوادث شوم جنگ قرار نگیرد. افزون بر آن که آنان به این روش زوایای جدیدی بر رویداد جنگ گشوده و به زبان حیوان داستان از ناگفته هایی که چشم راوی انسانی تحمل مشاهده اش را ندارد، سخن گفته اند. چنان که در «یومیات هرّ و دره ی پلنگ ها» مشاهده شد.

نویسندگان داستان کودکان و نوجوانان گاهی ناگزیر از قرار دادن کودک و نوجوان در بطن حوادث ناگوار جنگ گردیدند تا تلخی آن رویداد را به مخاطب نونهال منتقل سازند و درهمین راستا افزون بر حیوانی که قهرمان داستان قرار گرفته، از اشیاء بهره مند شدند تا حجم صدماتی که باعث قربانی شدن افراد در جنگ گردیده، بیان دارند. کاربرد صنعت تشخیص در روایت داستان جنگ که باعث جان بخشیدن به اشیاء می گردد، در سه داستان « النظارة؛ اسم من پلاک است و اسم من چفیه است» موجب پدید آمدن داستان هایی شده که قهرمان شان علیرغم نابودی ناشی از جنگ زنده می ماند تا با مخاطب کودک از حوادث بد و خویش سخن گوید. نویسنده داستان کودک و نوجوان در ایران ولبنان از فن توصیف نیز در پرداختن به حوادث ناخوشایند جنگ استفاده کرده اند، چنان که در «النافذه» و «همه ی دیوارهای شهر» ذکر گردید.

کتابنامه

- بایرامی، محمدرضا، 1386ش، دره ی پلنگ ها، تهران ، سوره مهر، دوم
- جرار، حسنی ادهم، 1995م، عمان، دارالفرقان، اول
- حسن البک، عائشه محمد عبدالله، 2007م، القصه على لسان الحيوان فى الادب العربى الحديث، دبی، کلیه الدراسات الاسلامیه والعربیة
- حسینی، زهرا، 2001م، الطفل والادب العربی الحديث، بیروت، دارالهادی، اول
- حطیط، امین محمد، 2004م، صراع على ارض لبنان ، بیروت، دارالامیر، اول
- داد، سیما، 1385ش، فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران، مروارید، سوم
- دلقندی، طیبہ، 1383ش، همه دیوارهای شهر، کنگره بزرگداشت سرداران شهید و بیست هزار شهید استان خراسان، اول
- سرهنگی، مرتضی، 1380ش، اسم من پلاک است ، تهران، سوره مهر - شاهد، اول
- ، ، ، اسم من چفیه است ، تهران، ، اول
- شوفانی، الیاس، 1998م، تاریخ فلسطین السیاسی، بیروت، مؤسسه الدراسات الفلسطینیة، دوم
- مجموعه نویسندگان ، 2011م، قلم رصاص، ج11، بیروت، رسالات، اول
- محفوظ، عبداللطیف، 2009م، وظیفه الوصف فی الروایة، بیروت، الدار العربیة للعلوم ناشرون، اول
- میرعابدینی، حسن، 1386ش، صدسال داستان نویسی ایران ج3 و4، تهران، چشمه، چهارم
- نصرالله، شکری، 2006م، تاریخ لبنان واللبنانیین، بیروت، شركة المطبوعات للتوزيع والنشر، اول
- نصرالله، املى، 1999م، یومیات هرّ، بیروت، دارالکتاب العالمی، دوم
-،، 1985م، الطاحونة الضائعة، بیروت، نوفل، اول
- هلال، محمد غنیمی، بی تا، الادب المقارن، القاهرة، دار نهضة للطبع والنشر

پایان نامه ها

بیوک آقازاده، رقیه، 1391ش، مقایسه ی داستان کودکان ونوجوانان درایران ولبنان پس از 1980م، دانشگاه

گیلان

روشنفکر، اکرم، 1386ش، بررسی ادبیات زنان در لبنان از 1975م تا 2000م با تکیه بر آثار بانو املی

نصرالله، دانشگاه تهران

The story of War in juvenile literature of the Middle East (Case study of Iran and Lebanon stories)

DR. Akram Roshanfekar

Assistant professor, Guilan University

Saneh210@yahoo.com

Iran, Rasht, Manzarie, North Abozar, No 36

DR. Kobra Roshanfekar

Associate professor, Tarbiat Modares University

Roghie Biok Aghazade

Abstract

The text of the story is the author's imagination to grow and spread an event trying to influence the reader's senses. Utilizing of fiction and imagination to provoke a sense to pursue an event is the main factor to distinguish story from the other forms of writing. Juvenile stories are the sub classification of juvenile literature that expressed as not to direct training but according to limited experiences, vocabulary data bases, time and poor power of children and teenagers to perceive various events.

Today, juvenile fiction writers select their main theme of story based on contemporary realism of events that may be ominous like 'war'. Though the story is crafty provided by technical skills of writer, but age characteristics of juvenile readers add distinctive features which some of them have been presented in this article.

This paper reviews the stories of children and adolescents of Iran and Lebanon to represent ways in which the themes of war have been displayed. Study method is based on descriptive - analytical and dominant results are concluded by using of animal stories and diagnosis of Iran and Lebanon's writing manner in juvenile stories that reveal the hidden aspects of war for young readers.

Keywords: war stories, animal stories, stories for children and adolescents